

مهاجرت و نقش آن در معارضات سیاسی معاصر ایران دوره قاجار

نیلوفر کسری

پژوهشگر ارشد، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
دانشجوی دکتری - دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار

چکیده:

فشارهای اقتصادی و سیاسی، تنشهای موجود در حکومت استبدادی و حضور استعماری دو دولت روس و انگلیس در فلات ایران از عوامل اساسی استقبال ایرانیان از پدیده مهاجرت و گذر از مرزهای سیاسی در تاریخ معاصر بود تا با رسیدن به مناطق امن از آسایش برخوردار شوند و یا از دست مستبدان رهایی یابند. این پدیده در تاریخ معاصر و با رودرویی ایرانیان با مدرنیته رنگ و بویی متفاوت یافت و تأثیر فراوانی در ساخت حکومت و مطالبات مردمی شد به گونه ای که دگرگونی های عظیمی پدید آورد این مقاله کوششی است اجمالی در بررسی نقش این مهاجران و تأثیراتی که در دگرگونی های ساختاری حکومت در عصر قاجار نهادند.

کلید واژه: مهاجرت، کارگران، اوضاع اقتصادی، دهقانان و پیشه وران

مقدمه:

مهاجرت و یافتن مأمی جدید برای زندگی که اصطلاحاً به "تغییر محل اقامت ضمن عبور از مرزهای سیاسی برای مدتی بیش از یک سال اطلاق می شود" پدیده ای است که قدمت آن کل تاریخ بشری را در بر می گیرد. انسان از همان آغاز خلقت در اوج تنهایی خویش در جست و جوی پناهگاه جدید سرگردان بود تا از این طریق اضطراب و غربت خویش را تسکین داده و به آرامش نهایی دست یابد. گسترش جمعیت و تغییر شرایط زیستی از عوامل تشدید کننده پدیده مهاجرت بود تا ضمن بقای نسل به ایجاد تمدن ها بپردازد. در تاریخ ایران نمونه های فراوان از این سیستم تدافعی موجود است به طوری که هرگاه فشارهای اقلیمی و جغرافیایی تشدید می یافت به ناچار هجرت و تغییر مکان زندگی پدید می آمد. این مهاجرت به ابتدایی ترین شکل خویش به دو قسم گروهی و فردی تقسیم می شد. مهاجرت گروهی که تا قرن ۱۷ عمده ترین شیوه مهاجرت در خاورمیانه را تشکیل می داد، معمولاً به دلیل بدمی آب و هوا، شرایط نامطلوب زیستی، کمبود مواد غذایی و چراگاه برای دامها با یک سری از یورش ها و جنگ ها و لشکرکشی ها صورت می گرفت. بدین ترتیب که قوم یا قبیله ای به صورت گروهی خانه و مسکن اصلی خویش را رها می نمود و مناطق دیگر را مورد هجوم و تاخت و تاز قرار می داد تا بر کلیه شئون اجتماعی و اقتصادی آن منطقه تسلط یابد. این قوم پس از مدتی به تدریج در جامعه سنتی مکان جدید حل گشته و جزئی از جمعیت و ساکنان آن منطقه می گردید و جزئی از جامعه متمدن تر خود می شد. در این بین فلات ایران به دلیل شرایط خاص استراتژیک و ایجاد ارتباط بین شرق و غرب جهان به عنوان معبر مهم و ساس ارتباطی شرق و غرب همواره مورد یورش و هجوم اقوام گوناگون قرار داشت. این مهاجرت ها از هجوم اقوام آریایی گرفته تا هجوم اقوام یونانی، عرب و ترک و مغول و تاتار ... همه و همه علاوه بر ایجاد مشکلات عدیده در منطقه به سقوط تمدن های پیشین منجر گشت و در هر بار یورش منابع اقتصادی، ساختار شهری، شبکه آبیاری و از همه مهمتر نیروی انسانی رو به تحلیل می رفت و زمانی طولانی نیاز داشت تا به شرایط پیشین باز گردد.

شایان ذکر است که اکثر این یورش ها مساله بردگی و مهاجرت اجباری گروهی از اقوام ایرانی دانشمند ، صنعتگر و هنرمند را در پی داشت که به اجبار به دربارهای اقوام مهاجم برده می شدند . البته این نوع مهاجرت اجباری از لحاظ تاریخی در فلات ایران ناشناخته نبود و چه بسا به دلیل مشکلات زیستی یا جور حاکم منطقه ای گروهی از مردم ناچار به ترك محل زندگی و سکونت در منطقه ای دیگر می شدند. البته این نوع مهاجرت ها بیشتر به صورت ادواری بود و در مناطق مرزی ایران به خوبی دیده می شد. و بالطبع تأثیرات سیاسی فرهنگی ویژه ای داشت.

اشکال مهاجرت :

مهاجرت در ابتدایی ترین حالت به دو قسم اجباری و اختیاری در شکل های گروهی و فردی تقسیم می شود:

مهاجرت اختیاری:

نوع متداول مهاجرت ها در تاریخ معاصر ایران مهاجرت اختیاری است که به اشکال اقتصادی و علمی تقسیم می شد. این نوع از مهاجرت در دوران قاجاریه به دلیل تقابل جامعه سنتی با جامعه غرب شتاب بیشتری گرفت . گرچه در این دوران توسعه به صورت بطئی و کند صورت می گرفت با توجه به حضور پررنگ دولتهای خارجی و کسب امتیارات متفاوت و تأثیرات مخربی که بر اقتصاد ایران گذاردند ، طبقه کارگر عصر قاجار که طبقه مزد بگیر بودند با معضل بیکاری روبرو شد و و نوعی مهاجرت اقتصادی در جستجوی شغل پدید آمد. این دسته از مهاجرت اختیاری خود به دو قسمت تقسیم می شود:

الف- مهاجرت اقتصادی:

مهاجرت اقتصادی به نوعی از مهاجرت اطلاق می شود که شخص با میل و رضا خود به دلیل شرایط نامطلوب اقتصادی ، بروز جنگ ، فحطی ، بیماری های واگیردار و حتی بروز حوادث طبیعی ، به امید یافتن کار مناسب خانه و کاشانه خود را رها کرده و به سرزمین های جدید و ناشناخته قدم می گذارد . در بسیاری از موارد شرایط استبدادی حاکم بر جامعه و افزایش بیش از حد مالیاتها نیز عاملی موثر برای تشدید این نوع مهاجرت ها بود . (سیف ، ۱۳۷۲ : ۳۲)

عمده ترین مراکز مهاجرت اقتصادی در نواحی مرزی بخصوص نواحی هم مرز روسیه تزاری چه در مناطق شمالی و شمال شرقی خراسان و چه در نواحی شمال و شمال غربی آذربایجان و در بعضی از موارد مناطق گیلان و مازندران صورت می گرفت. در آن زمان وجود معادن نفت در باکو و قفقاز بیشترین مرکز استقرار کارگران ایرانی بود . فروپاشی نظام اقتصاد سنتی به همراه آن خانه خرابی بعضی از دهقانان و پیشه وران به دلیل استبداد حاکم ، همچنین موقعیت خاص تاریخی جغرافیای فلات ایران که توان جذب بیش از حد این

نیروها را در اقتصادسنی و دستی خود نداشت و نمی توانست از طریق استخدام و جذب این نیروها کارگشا باشد. مهاجرت در آغاز قرن بیست ابعاد گسترده ای یافت. (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۱۳)

این کارگران در روزنامه های محلی علت مهاجرت خود را اوضاع داخلی ایران می دانستند. آنها اعتقاد داشتند در ایران امنیت نیست، کار نیست، نان نیست، بعضی از تعدی حکام برخی از ظلم بیگلر بیگی، داروغه یا کدخدا شکایت داشتند. (همانجا ۵۳ - ۶۴)

علاوه بر فقر در روستاها ورشکستگی کسبه شهری که در نتیجه رقابت با تجارت خارجی حاصل شد، عده زیادی از مردمان مراکز ایران تحمل خود را از دست داده و کشور را ترک کردند. قسمت اعظم این مهاجرین به مراکز صنعتی روسیه تزاری روی آوردند. معادن نفت باکو از مهمترین این مراکز به شمار می رفت. (کامبخش، بی تا: ۱۳)

محرک اصلی این مهاجرتها تحول اقتصادی مناطق تحت اشغال روسیه و تضاد آن با اقتصاد داخلی ایران بود بدین ترتیب کارگران ایرانی به مقیاس بسیار وسیع به این مراکز صنعتی رو به رشد در قفقاز کشیده شدند. (حکیمیان، ۱۳۷۴: ۷۴)

شایان ذکر است که برای روسیه تزاری استفاده از نیروی کار ارزان مارگران مهاجر باصرفه تر بود. بر اساس یک سند روسی حاکم باکو:

" اگر جریان مهاجرت ایرانیان متوقف شود مناطق اقتصادی قفقاز به سختی لطمه خواهد دید و حتی در هنگام حوادث سیاسی دوران مشروطیت و سختگیری شدید نیروهای روسی در مرزهای ایران نامه یی به طرفداری از مهاجران ایرانی به مقامات روسی نگاشت و وجود آنان را عامل شکوفایی اقتصادی مناطق فوق دانست." (همانجا)

تعداد کارگران ایرانی در تاسیسات نفتی باکو و سایر تاسیسات صنعتی قفقاز قابل ملاحظه بود. به عنوان مثال در تاسیسات نفتی باکو شمار کارگران ایرانی از ۱۱ درصد کل کارگران در سال ۱۸۹۳ م به ۲۲ درصد کل کارگران در سال ۱۹۱۵ و سپس ۲۹ درصد افزایش یافت. (عبداله یف، ۱۳۷۱: ۱۰۲)

مع هذا بیشتر مهاجرانی که از جهان سو به بیرون کشور می رفتند، بدون تخصص بودند و ناگزیر در کشورهای مهاجر پذیر به کارهایی دست می زدند که هم دشوار و هم کم درآمد است دست زنند. دستمزد دریافتی این کوچندگان در سطح کمترین مزدی است که کشورهای کوچ پذیر تعیین می کنند. این افراد حاضرند به بدترین شرایط زیستی تن در دهند و بخش بزرگی از درآمد خود را پس انداز کنند. (آشفته تهرانی، ۱۳۸۰: ۱۰۷)

کسروی در کتاب خود به خوبی اشاره دارد که بیشتر کارگران ایرانی معادن نفت باکو با رنج و خواری بسیار روزگار می گذرانند. (کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ۱۳۸۵: ۶۰۴) آنان بین ۱۵ تا ۲۰ ساعت (حتی

شبهاً) کار می‌کردند. البته با وجود این میزان کار اغلب کارگران دچار سوء تغذیه بودند و بیشتر مواقع زیر درخت‌ها و در باغات می‌خوابیدند. (رسول زاده، ۱۳۷۸: ۵۷) و همه کارهای سخت و پر زحمت بر عهده آنان بود.

شرایط کاری این مهاجران بسیار سخت بود در بیشتر موارد به صورت کارگر روزمزد ساده به کار گماشته می‌شدند و به همین دلیل از امنیت شغلی و دستمزد کافی برخوردار نبودند. (کسروی، همان: ۱۶۷)

در بیشتر موارد از آنها برای انجام کارهای یدی چون کار در مزارع و کشت زمین‌های مزروعی یا حمل بار استفاده می‌شدند. بیشتر زمین‌های کشاورزی گنجه توسط آنان کشت می‌شد و در تقلیس کشت مزارع پنبه کلا بر عهده ایرانیان مهاجر بود. شماری از آنان نیز در شغل‌های چون تجارت و مغازه‌داری، بنایی، درشکه‌چی و عرابه‌رانی در شهرها مشغول کار می‌شدند. اینان به تدریج دارای موقعیت خاص شده به طوری که در ماوراءالنهر بهترین بناها ایرانیان بود. بارگیری و تخلیه کشتی، احداث راه‌های شوسه و راه آهن نیز از جمله کارهای سختی بود که توسط این ایرانیان مهاجر صورت می‌گرفت. (حکیمیان، همان: ۶۲)

عده‌ای از این مهاجرین پس از پایان فصل کشاورزی به زادگاهشان باز می‌گشتند و شکل غیر دائم به کشورهای مجاور مهاجرت می‌کردند. (ابوانف، ۱۳۵۷: ۱۷)

ب. مهاجرت علمی:

این شکل از مهاجرت‌ها به منظور کسب علم و دانش به مراکز علمی صورت می‌گرفت و شخص پس از کسب مدارج علمی به شهر خویش باز می‌گشت تا در ترویج آن بکوشد. این نوع از مهاجرت‌های اختیاری حتی امروزه با گسترش نظام آموزش و پرورش به صورت مهاجرت از روستا به روستا، روستا به شهر، شهر به شهر و یا از کشور به کشور در جهت کسب علوم مذهبی و غیر مذهبی صورت می‌گیرد.

مهمترین مرکز جذب این مهاجران در تاریخ معاصر ایران عتبات عالیات بود که از مراکز بزرگ تعلیمات شیمی به حساب می‌آمد. بررسی اجمالی زندگی علمای آن عصر نشان‌دهنده اهمیت این منطقه مهاجر پذیر می‌باشد چه تعداد قابل توجهی از علمای ایران به منظور استفاده از محضر اساتید بنام عصر خویش، بدان مناطق سفر می‌نمودند. از مهمترین اینان می‌توان از سید حسن مدرس که پس از کسب علوم مقدماتی به نجف اشرف مهاجرت کرد و پس از کسب درجه اجتهاد به ایران بازگشت و همچنین از عبدالطیف شوشتری که پس از کسب مدارج عالی به هندوستان رفته و کتابی تحت عنوان تحفه‌العالم نوشت نام برد. (حائری، ۱۳۶۷: ۲۵۶-۲۵۷)

شروع جنگ‌های طولانی بین کشور ایران و روسیه در دوران قاجار، عامل آشنایی دولتمردان این عصر با کمی‌ها و کاستی‌ها خویش شد. با شکست سپاهیان ایرانی از روسیه، فکر اصلاحات سپاه که از نیمه‌های جنگ

توسط عباس میرزا، میرزا ابوالقاسم قائم مقام و تتی چند از رجال ایرانی رواج یافته بود به صورت يك ضرورت دنبال گشت. تا از این پس کشور بتواند در مقابل یورش بیگانگان مقاومت نموده پایه های سستی و زوال را از بین ببرد. به همین جهت عباس میرزا تصمیم گرفت گروهی از دانشجویان ایرانی را به خارج گسیل کند تا در زمینه های نظامی، پزشکی، فنی و مهندسی، نقاشی و نقشه کشی و زبان ادبیات خارجی به اروپا رفته علوم جدید را بیاموزند. (سرمد، ۱۳۷۲: ۱۳) او در واقع آغازگر راهی شد که تا به امروز ادامه دارد.

اعزام دانشجو به خارج نتایجی را در پی داشت اول آنکه موجب آشنایی با فرهنگ و تمدن اروپایی گشت و موجی از انتقادات و مخالفت ها را به دنبال آورد. این منتقدان جدید صرفنظر از عقاید صحیح و ناصحیح خویش نقشی اساسی در رواج مکتب ترجمه که از زمان ناصرالدین شاه توسط اصلاح طلبان صورت گرفته بود ایفا نمودند و به این ترتیب زمینه های علمی و فرهنگی مشروطیت را پی ریزی کردند. (آری، ۱۳۴۹: ۱/۲۲۲)

دوم آنکه مقدمات چاپ مطبوعات را بنا نهادند. نخستین روزنامه ایران توسط میرزا صالح شیرازی که یکی از کسانی بود که در سال ۱۲۳۰ ق به همت عباس میرزا نایب السلطنه ولیعهد فتحعلی شاه به خارج اعزام شد بود، انجام شد. البته ایجاد این روزنامه با تایید و تشویق میرزا تقی خان امیر کبیر به عرصه عمل پیوست اما اصل کار و یافتن پیش زمینه علمی آن به دوران عباس میرزا بر می گردد. بی شک انتشار روزنامه در ایران، قدمی موثر در بالا بردن آگاهی های عمومی گردید و زمینه های لازم را جهت بروز انقلاب مشروطیت مهیا ساخت. تحول نظام آموزشی کشور نیز گرچه از زمان امیر کبیر و تاسیس دارالفنون (۱۲۶۸ ق) عملی گشت اما هسته اولیه هیئت آموزشی آن توسط همین افراد حمایت شد. تاسیس نخستین مدارس مسیونرهای خارجی در ایران حدود بیست سال پس از اعزام نخستین گروه محصلین به خارج از کشور صورت گرفت. (سرمد، همان: ۱۰۲)

مهاجرت اجباری:

یکی از متداول ترین مهاجرت ها در رژیم های استبدادی نوع اجباری آن است که به فردی و گروهی تقسیم می شود. جنگها و کشمکش های بین دول گوناگون، علاوه بر رواج پدیده اسارت و برده گي افراد کشور مغلوب، باعث از بین بردن تابعیت افراد میشد و افراد کوچ نشین مرزی را مجبور به پذیرش تابعیت یکی از دو کشور می ساخت. در ماده ۸ معاهده ارزنه الروم که پس از اختلافات مرزی شدید بین ایران و عثمانی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه منعقد گردید، مقرر شد که عشایر هر يك از دو دولت ایران و عثمانی که در زمان انعقاد قرارداد به کشور مجاور کوچ کرده بودند، می باید به کشور خود بازگردانده شوند و عشایری که تابعیت آنها معلوم نیست ناچار به انتخاب یکی از دو دولت به منظور سکونت دائم خود می باشند. (شمیم، ۱۳۷۰: ۲۱۱)

نوع دیگر مهاجرت های اجباری به شکل فدی است که بر اثر ظلم و جور دستگاه حکومت و شرایط خفقان آور کشور تابعه پیش می آید. این نوع مهاجرت در تاریخ معاصر ایران بیشترین و عمده ترین عامل مهاجرت به

حساب می آید. به طوری که افزایش ظلم و جور دستگاه شاهی و حکام محلی باعث گسترش این شکل از مهاجرت می شد. (سیف، همان: ۲۳)

نوعی از مهاجرت های اجباری پناهندگی سیاسی بود که بیشتر در بین خانواده سلطنتی و شاهزادگان روا داشت و بدین ترتیب شخصی که جان و مال خویش را در امان نمی دید به کشورهای مجاور پناهنده می شد. از این دسته از مهاجرت ها می توان به عباس میرزا ملک آرا فرزند دوم محمد شاه از سو گلپاش فاطمه خانم چهریقی بود که پس از به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه مورد اذیت و آزار قرار گرفت و به عثمانی پناهنده گشت.

گسترش پناهندگی دولت ایران را برآن داشت تا فصل پنجم معاهده ارزنه الروم به مبادله مجرمین و پناهندگان سیاسی بین دو دولت اختصاص یابد. دولت عثمانی طی این قرارداد متعهد گردید که کلیه شاهزادگان فراری و پناهندگان ایرانی در خاک عثمانی را در شهربروسه زیر نظر نیروهای انتظامی خود قرار دهد و از مراد و مکاتبه و تماس آنان با دیگران و همچنین از بازگشت مخفیانه آنها به ایران و کشورهای دیگر جلوگیری کند. اما در مورد جانیان و فراریان که تحت تعقیب جنایی قرار داشتند، دولت عثمانی موظف گردید که آنان را به کشورهای دیگر جلوگیری کند. اما در مورد جانیان قرار داشتند، دولت عثمانی موظف گردید که آنان را به کشورهای متبوعه عودت دهد. (همان: ۲۱۰-۲۱۷)

شکل دیر مهاجرت های اجباری اختصاص به مبارزین سیاسی و مخالفین حکومت داشت. این دسته که بیشتر در بین اقبشار تحصیل کرده و روشنفکر جامعه جای داشتند به دلیل ظلم و جور حکام و فشار دستگاه حکومتی به کشورهای مختلف به ویژه عثمانی مهاجرت می کردند و آنجا را کانون مبارزه بر علیه حکومت استبدادی وقت قرار می دادند. از دوران مهاجرت ناصر الدین شاه بر میزان این مهاجرت ها افزوده شد. این مهاجران علاوه بر نوشتن کتب و رساله جهت گسترش آزادی و قانون به انتشار روزنامه هایی اقدام می کردند از مهمترین این روزنامه ها که اخبار داخلی را به شکل انتقادی بیان می کردند روزنامه قانون و حبل المتین بودند. این نشریات مخفیانه وارد ایران می شد و بین مردم علی الخصوص آزادیخواهان و روشنفکران دست به دست می شدند. استبداد صغیر محمد علیشاه عامل دیگری در جهت رواج این شیوه مهاجرتها بود.

مقارن همین زمان انجمن های مخفی در ایران شکل گرفت در این انجمن ها نیز روشنفکران و رجالی که برای مدتی جهت ادامه تحصیل به خارج از کشور رفته بودند هسته اصلی را تشکیل می دادند. انجمن سعادت ایران از جمله این انجمن ها بود که توسط عده ای از آزادیخواهان مهاجر ایرانی مقیم عثمانی در استانبول تاسیس شد. هدف اصلی این انجمن، حمایت از مبارزان و مجاهدان داخلی و مع آوری اعانه برای آنها بر ضد استبداد محمد علیشاهی بود. اینان عام ارتباط آزادیخواهان ایرانی و علمای روشنفکر نجف و محافل مطبوعاتی جهان بودند و حتی نیروی آنان به حدی رسید که ارفع الدوله سفیر ایران در استانبول که یکی از دشمنان مشروطیت بود از ترس مشروطه خواه شد و درخواستهای انجمن مبنی بر پرداخت سه هزار منات اعانه برای تیریز را پذیرفت. (همان: ۵۱۹-۵۲۱)

هسته اصلي مباران ايراني در خارج از کشور توسط مهاجران ايراني در روسيه اداره مي شد. اين مهاران به دليل ارتباط مستقيم با آزاديخواهان تبريز از شرايط داخلي ايران آگاهي کامل داشتند و در مبارزات سياسي اين عصر نقش ساسي ايفا نمودند. هنگامي که کميته مرکزي انقلاب ايران و انقلابيون تبريز نمايندي به کميته مجاهدان مسلمان قفقاز روانه کرد و از آنها ياري طلبيد، کارگرن قبل از انتشار قطعنامه کميته ولايتي تفليس آمادگي خود را براي حرکت به ايران اظهار نمودند.

نخستين دسته اين کارگران از تفليس با راه آهن به جلفا واقع در مرز ايران اعزام شده و با احتياط کامل و بطور اختفا از ارس عبور کردند و خود را به تيبز رساندند و زير پرچم مبارزان تبريز به رهبري ستارخان به مقاومت دست زدند. اينان براي نخستين بار بمب و نارنجک در مبارزه با سپاهيان حکومت استفاده کردند و نوعي مبارزه چريکي مسلحانه را ابداع نمودند. ديگر اقدام اين مهاجران تاسيس حزب اعتداليون در باکو بود. (آدميت ۱۳۶۲: ۱۹)

کانون ديگر مبارزات ايرانيان مهاجر علاوه بر استانبول و باکو در لندن قرار داشت و سر دسته اين عده سيد حسن تقی زاده و معاضد السلطنه بودند که با ياري ادوارد براون سخنراني هايي در مدح مشروطيت و مشروطه خواهان در محافل اروپايي انجام مي دادند. در طول جنگ جهاني اول اين کانون به برلن کشيده شد و روزنامه کاوه اثر مجاهدتهاي اينان بود. (همان: ۲۰)

در داخل ايران نيز گاه فشار استبداد داخلي و فشار نيروهاي خارجي منجر به مهاجرت مي شد مانند مهاجرت نمايندگان و رجال دولت در ابتدای جنگ جهاني و اولتيماتوم روس براي فتح تهران که بدین ترتيب پاره اي از نمايندگان و رجال و هيئت دولت از تهران حرکت کرده و در قم تشكيل کميته ملي دادند. با فشار روس و انگليس اين کميته به کرمانشاه رفت و در آنجا تشكيل دولت ملي داد که سيد حسن مدرس نيز در آن شرکت داشت. بعدها اين هيات در عثماني مستقر شد و تا پايان جنگ مبارزه با دول استعماري روس و انگليس پرداختند. (شميم، همان: ۵۱۸)

نتيجه گيري:

مهاجرت به عنوان يك پديده اجتماعي گرچه از ابتدای تشكيل جوامع انساني وجود داشته و همواره راه گريزي از قهر طبيعت و مشكلات جغرافيايي (كمبود آب، خشكسالي، يخبندان و قحطي) بيماري (بیماري هاي فراگير چون شيوع وبا و طاعون و...) مشكلات اقتصادي و معيشتي (اوضاع بد اقتصادي به دليل عدم شرايط کشاورزي يا غارت محصول و منابع توسط اقوام بيگانه)، جنگ و فجايع انساني (يورش اقوام وحشي) بود، مزايایي براي اقوام در پي داشت به طوري که يکي از عمده ترين راههاي تبادلات فرهنگي و گسترش علوم به شمار مي آمد اين مسئله در کل تاريخ ايران علي الخصوص تاريخ معاصر ايران به چشم ديده مي شود اما در تاريخ معاصر ايران باعث روشننگري سياسي، چاپ روزنامه ها و کمک به ورود جريان مدرنيته و مبارزات سياسي شد.

بی نوشت:

- ۱- سیف ، احمد ، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم ، تهران ، چشمه ، ۱۳۷۲
- ۲- شاکری ، خسرو ، پیشینه اقتصادی و اجتماعی جنبش مشروطه و انکشاف سوسیال دموکراسی، تهران ، اختران ، ۱۳۸۴
- ۳- کامبخش ، عبدالله ، نظرب بر جنبش کارگری و کمونیستی در ایران ، بی جا ، بی تا، ج ۱
- ۴- حکیمیان ، حسین ، کارمزدی و مهاجرت ، ترجمه افسانه منفرد ، تاریخ معاصر ایران ، تهران ، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی ، بهار ۱۳۷۴
- ۵- عبدالله یف ، کارگران در اواخر قاجاریه مترجم مارینا کاظم زاده ، تهران ، آگاه ، چاپ دوم ، ۱۳۷۱
- ۶- آشفته تهرانی ، امیر ، جامعه و جامعه شناسی تهران ، فرهنگ گستر ، ۱۳۸۰
- ۷- کسروی ، احمد ، تاریخ مشروطه ایران ، تبریز ، اختر ، چاپ دوم ، ۱۳۸۵
- ۸- رسول زاده ، محمد امین ، گزارش هایی از انقلاب مشروطه ایران ، ترجمه رحیم رئیس نیا ، تهران ، شیرازه ، زمستان ، ۱۳۷۸
- ۹- ایوانف . م.س ، انقلاب مشروطیت ایران ، ترجمه کاظم انصاری ، تهران ، حبیبی ، ۱۳۵۷ ، ص ۱۷
- ۱۰- حائری ، عبدالهادی ، نخستین رویارویی اندیشه گران ایرانی با دو روی تمدن بورژوازی غرب ، تهران ، امیر کبیر ، ۱۳۶۷
- ۱۱- سرمد ، غلامعلی ، اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه ، تهران ، نشر بنیاد ، ۱۳۷۲
- ۱۳- آوری پیتز ، تاریخ معاصر ایران ، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی ، تهران ، عطایی ، ۱۳۴۹ ، ج ۱
- ۱۴- شمیم ، علی اصغر ، ایران در دوره سلطنت قاجار ، تهران ، علمی ، ۱۳۷۰
- ۱۵- آدمیت ، فریدون ، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطه ایران ، تهران ، پیام ، ۱۳۶۲

Digest:

Migration its role in Qajar political conflicts

Immigration is one of the important phenomena of Iranian history.

Throughout history, Iranian used immigration as a way out of the tyrannical government. It creates a mix of culture and as a result, created political changes. In this article we will examine the types we will look at its impact on development.

This article is an attempt in expressing the effect of this phenomenon on the development of the Qajar era and constitution.

Migration ' Efficacious ' Peasants ' Traders ' The economic situation